

## حقوق دانشجویان در سیستم آموزشی

امیراحمد شجاعی<sup>۱\*</sup>، احد فرامرزی قراملکی<sup>۲</sup>

### دیدگاه

گزاره‌های اخلاقی باقی مانده‌اند و لذا در محدوده‌ی اخلاق قرار می‌گیرند. این دسته از حقوق را کلاً مسؤولیت‌های اخلاقی می‌نامیم و در این مقاله مسؤولیت‌های اخلاقی دانشگاه و سیستم آموزشی دانشگاه نسبت به دانشجویان می‌نامیم. بنابراین، دانستن حقوق دانشجو در قبال سیستم آموزشی از موارد بسیار با اهمیتی است که می‌تواند مبنای بسیاری از قضاوت‌های اخلاقی در خصوص دانشگاه نیز قرار گیرد.

حقوق دانشجو تنها مرتبط با سیستم آموزشی نیست و اجزای دیگر دانشگاه و جامعه را نیز در بر می‌گیرد اما حقوقی که دانشجو در قبال سیستم آموزشی دارد چون نسبت مستقیم با یادگیری و رشد علمی او دارد، لذا از اهم حقوق دانشجویان محسوب می‌شود و پرداختن به آن حقوق نیز اهمیت خاصی خواهد داشت.

با بر شمردن حقوقی که دانشجو در قبال سیستم آموزشی دانشگاه دارد عملاً دانشگاه به قسمتی از وظایف خود آگاه شده و یک گام از تدوین سند اخلاقی دانشگاه را پیموده است. کلیات وظایف دانشگاه و به شکلی خاص سیستم آموزشی دانشگاه نسبت به حقوق دانشجویان به قرار زیر هستند:

- (۱) شناخت حقوق دانشجو؛
- (۲) پابندی و حساسیت به حقوق دانشجو؛

براساس تعریفی که در اخلاق حرفه‌ای از اخلاق به عمل می‌آید، اخلاق رفتار ارتباطی راسخ و پایدار مبتنی بر حقوق (rights) طرف ارتباط است و همچنین اخلاق حرفه‌ای به معنای دانستن و عمل کردن به مسؤولیت‌های اخلاقی است که هر شخص حقیقی یا حقوقی نسبت به دیگران دارد (۱). لذا، یکی از معیارهای اخلاقی بودن دانشگاه را می‌توان حقوق (rights) دانشجویان قرار داد و با بر شمردن حقوق دانشجویان، مسؤولیت‌های اخلاقی دانشگاه نسبت به دانشجو را بر شمرد.

دانشجو از بدو ورود به دانشگاه و حتی از زمان پذیرفته شدن در دانشگاه صاحب حقوقی می‌شود که قسمتی از آن‌ها مرتبط با سیستم آموزشی است (البته قسمت‌هایی دیگر مرتبط است به محیط که مشتمل است بر خانواده، دوستان، اساتید دانشگاه، واحدهای مختلف دانشگاه و خلاصه بقیه‌ی ارکان جامعه که مشمول این مقاله نیستند). این‌گونه حقوق دانشجویان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته آن‌ها حقوقی است که به شکل قانونی درآمده‌اند و در قالب آیین‌نامه و دستورالعمل و ... ابلاغ شده‌اند و لذا لازم‌الاجرا هستند و قانونگذار متضمن اجرای آن‌ها شده است و دسته‌ی دیگر آن‌ها حقوقی هستند که هنوز لباس نپوشیده‌اند و در قالب

<sup>۱</sup> دانشجوی PhD اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup> استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

\* نشانی: تهران، بلوار کشاورز، نرسیده به خیابان پورسینا، پلاک ۲۳، طبقه چهارم، تلفن: ۶۶۴۱۹۶۶۱، Email: dramirahmadsh@yahoo.com

(۳) پایبندی به صورت خصلت؛

(۴) جبران عدم پایبندی (۲).

چنانچه از منظر دانشگاه به موضوع حقوق دانشجویان بنگریم، آن گاه بر آن اساس وظایف دانشگاه را عملاً مبتنی بر اصول اخلاق حرفه‌ای رفتار کرده‌ایم که به انقلاب کپرنیکی در اخلاق معتقد است و می‌گوید: دیگران حق دارند و ما وظیفه. یعنی برای معین کردن وظایف آموزشی دانشگاه نسبت به دانشجویان، ابتدا باید حقوق دانشجویان در قبال سیستم آموزشی برشمرده شود و سپس وظایف دانشگاه بر آن مبنای تدوین گردد (۳).

### حقوق دانشجویان در قبال سیستم آموزشی

دانشجو نسبت به سیستم آموزشی دانشگاه حقوقی دارد که برخی به شکل قانونی درآمده‌اند و در قالب آیین‌نامه و دستورالعمل ابلاغ شده‌اند و ضمانت انجام آن‌ها نیز در قالب آیین‌نامه‌های دانشگاه وجود دارد. اما دسته‌ی دیگری از حقوق دانشجو که در قبال سیستم آموزشی دانشگاه است و به شکل مستقیمی با فرایند یادگیری و آموختن مرتبط است هنوز قانونی نشده و به شکل مستند و نظام‌مند به آن پرداخته نشده است. لذا، در این مقاله با توجه به تجربیات چندین ساله که نگارندگان به ترتیب ورود نام، در دانشجویی و استادی دانشگاه دارند تک تک این حقوق دانشجویان برشمرده شد و هرکدام به فراخور نیاز مورد تحلیل و توضیح قرار گرفت.

این حقوق دانشجویان در واقع مرتبط است با آموزش و یادگیری که اصلی‌ترین هدف ورود دانشجویان به دانشگاه‌هاست (۴) و پس از بیان هر کدام از حقوق، وظیفه‌ای که سیستم آموزشی دانشگاه و استاد مربوطه در مقام عضوی از آن سیستم بر عهده دارند بیان می‌شود.

۱- دانشجو حق دارد که با روش‌های نوین تدریس آموزش ببیند.

تدریس عبارت است از هر فعالیتی از جانب یک فرد که به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگر انجام پذیرد (۵). استاد دانشگاه یا هر کس از اهالی تدریس برای آن‌که بتواند یادگیری

دانشجو را تسهیل کند باید روش‌های تدریس را بداند و حتی روش تدریس بهتر است که با نحوه‌ی یادگیری دانشجو مرتبط باشد و با آن هم‌خوان باشد نه آن‌که به سلیقه‌ی اساتید انتخاب گردد (۶) و این از وظایف دانشگاه است که برای تحقق این مطلب پیگیری لازم به عمل آورد.

۲- دانشجو حق دارد که در فرآیند یادگیری مشارکت کند.

یادگیری مستلزم مشارکت فعال و سازنده‌ی یادگیرنده است و اساساً یک فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مشارکت در محیطی اجتماعی مثلاً کلاس درس دانشگاه، زیربنای یادگیری است (۷).

در این زمینه، دو مبحث اهمیت به‌خصوص دارد؛ یکی مشارکت فعال دانشجویان در روند آموزش (به‌جای سخنرانی صرف، در موضوعات اخلاقی) و دیگری ارزیابی عملی آن‌ها (۸). لذا، یکی از وظایف اساتید این است که دانشجویان را به شکل فعال و مشارکت‌جویانه در آموزش شرکت دهند. مثلاً ارائه‌ی مقاله، کنفرانس و ...

۳- دانشجو حق دارد که مطالب مفیدی را آموزش ببیند. محتوای دروس دانشجویان باید روان و مناسب با جایگاه آن درس در برنامه‌ی تحصیلی دانشجو باشد و همچنین استاد باید در انتخاب محتوای دروس به‌گونه‌ای رفتار کند که تسلسل و ترتیب منطقی رعایت شود و دروس پیش‌نیاز به موقع ارائه گردند. همچنین محتوای دروسی که در آینده بهره‌ی بیشتری برای دانشجو دارند در اولویت قرار گیرند به‌خصوص مواردی از دروس که برای زندگی واقعی دانشجو سودمند انگاشته شوند و همچنین بر زندگی حرفه‌ای دانشجو اثر بیشتری بگذارد.

لذا، اساتید نسبت به انتخاب مطالب مفید و سودمندی محتوای دروس وظیفه دارند.

۴- دانشجو حق دارد از کلاس درس بهره‌ی علمی وافی برد.

اساتید وظیفه دارند نسبت به محتوای دروسی که آموزش

- اساتید باید با همتایان خود در خصوص ارزیابی یکسان دروس مشترک به توافق برسند.

۷- دانشجو حق دارد که یادگیری بیاموزد:

این حق دانشجو ناظر بر این سؤال است که: انسان چه نوع یادگیری نیاز دارد که بتواند در سایه‌ی آن همیشه یاد بگیرد؟

آیا نه این است که انباشته‌های ذهنی پس از مدتی قدیمی و کهنه می‌شوند و دیگر به‌کار نمی‌آیند؟ و مگر نه این است که مهم‌ترین هدف تربیت، ایجاد توانایی در فرد است که محیط را با خود و خود را با محیط سازگار کند؟

لذا مهم‌ترین هدف از یادگیری ایجاد نوعی توانایی در دانشجو است که بتواند در پرتو آن توانایی، با تبدیل اطلاعات مورد نیاز، به حل مسائل تازه بپردازد و یقین داشته باشد که این توانایی یعنی «توانایی یادگیری چگونه یاد گرفتن» هرگز کهنه نخواهد شد. بنابراین، در آموزش:

چگونه یادگرفتن مهم است نه اصل یادگیری؟

روش یادگیری مهم است نه محتوای یادگیری؟

تحول ذهن مهم است نه تراکم آن؟

روش فکر کردن و اندیشه مهم است نه خود فکر و اندیشه (۱۱).

لذا از وظایف اساتید این است که چگونه یاد گرفتن را به دانشجو بیاموزند و روش فکر کردن و اندیشه را و این تکلیف اساتید ناظر بر آن است که اساتید باید مهارت‌های تفکر انتقادی<sup>۱</sup> را بشناسند.

۸- دانشجو حق دارد درگیر درس شود نه آن‌که مستمع محض باشد.

فرانکلین می‌گوید: اگر به من بگویی فراموش می‌کنم؛ اگر به من بیاموزی به‌خاطر می‌آورم؛ اگر درگیرم کنی یاد می‌گیرم.

شیوه‌ی درگیر کردن فراگیرنده در امر یادگیری این است که آموخته‌های قبلی مرتبط با موضوع فعلی را فعال و میل به یادگیری جدید را در او تحریک کنیم و در دانشجو نسبت به

می‌دهند تسلط کافی داشته باشند و علم و دانش خود را همواره به روز برسانند تا مطالب جدید به دانشجویان بیاموزند. این وظیفه‌ی اساتید ناظر است بر مطالعه‌ی مستمر و هدفمند، شرکت در مطالعات پژوهشی، همایش‌های علمی و ...

۵- دانشجو حق دارد که عناوین درس و کتب مرجع آموزشی را بشناسد تا بتواند برنامه‌ریزی مناسب انجام دهد و اساتید وظیفه دارند در ابتدای دوره، طرح درس و کتب مربوطه را اعلام کنند و به آن وفادار بمانند.

۶- دانشجو حق دارد مورد ارزیابی صحیح قرار گیرد.

ارزیابی دانشجویان امروزه از دغدغه‌های جدی است. این موضوع به تبحر و مهارت اخلاقی اساتید بر می‌گردد و لازم است به اساتید آموزش‌های حرفه‌ای و قواعد رفتاری مربوط به ارزیابی صحیح دانشجویان آموزش داده شود (۹).

ارزیابی دانشجویان تأثیر شگرفی بر زندگی، شغل و تمایز رقابتی و فرصت تدریس دانشگاهی ایشان می‌گذارد لذا اساتید مکلف به رعایت موارد زیر هستند:

- ارزیابی باید معتبر و آزاد، عادلانه، متجانس و هم‌سو با اهداف درس باشد؛

- ارزیابی باید قابل اطمینان باشد؛

- روند ارزیابی و استانداردهای نمره دادن باید به‌طور روشن در آغاز درس به دانشجویان اعلام گردد و غیر از موارد نادر، انحرافی در آن صورت نگیرد؛

- امتحانات، اوراق و تکالیف دانشجویان باید به دقت، عادلانه و با استفاده از سیستم منطقی نمره‌گذاری رتبه‌بندی شود.

- اساتید باید حقوق ارزیابی را بدانند و ابزار مناسب آن را با توجه به تعداد دانشجویان در اختیار گیرند (۱۰).

- اساتید باید در خصوص نحوه‌ی اعتراض به شیوه‌ی ارزیابی به دانشجویان فرصت دهند.

- اساتید باید شیوه‌ی ارزیابی را به نقد دانشجویان بگذارند و به اصلاح آن رغبت نشان دهند.

<sup>1</sup> Critical thinking

نقد لازمه‌ی رشد و بالندگی دانش است. و اگرچه بدیهی می‌نماید، به‌دلیل آن‌که هنوز این باور نهادینه نشده است عملاً از کارکرد اصلی خود به‌دور مانده است یا به تعریف و تمجید تبدیل شده است. درباره‌ی ضرورت نقد و اصل آن مشکلی وجود ندارد و خوب است بدانیم که بسیاری آثار برجسته‌ی علمی در نتیجه‌ی نقد ایجاد شده‌اند؛ نظیر کتاب فلسفه و روش رئالیسم علامه، حقوق زن شهید مطهری، منظومه سرزمین بی حاصل<sup>۲</sup> توماس الیوت و کتاب پژوهش‌های فلسفی لودویک ویتگنشتاین. لذا، اهمیت نقد و فرهنگ نقادی را از یاد نبریم.

اما مفهوم نقد: نقد معمولاً بار عاطفی منفی دارد و آن را به خرده‌گیری اشتباه می‌گیرند. امروزه نقد را به‌عبارت «داوری خرده‌گیرانه» تعریف می‌کنند. هرچند که داوری و اظهار نظر و نقد در هر موردی باید مسبوق به علم و آگاهی و تفکر باشد اما باور غلط این است که نقد انحصاراً در اختیار افراد خاصی است که صلاحیت‌های علمی معینی دارند و متخصص آن فن هستند.

در صورتی که بهتر است استاد دانشگاه به‌جای تکیه بر صلاحیت یا عدم صلاحیت ناقد، نظر خود را بر خود نقد و درستی یا نادرستی آن متمرکز کند.

گاهی برخی افراد به محض نقد شدن شیوه‌های ناسالمی در پیش می‌گیرند؛ از قبیل:

- انگیزه خوانی ناقد: یعنی به‌جای مدعا سراغ مدعی می‌روند. در حالی که حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند که سخنی که از دهان برادرت بیرون می‌آید تا جایی که می‌توانی برای آن محمل نیک بجوی و گمان بد میر.
- نقد متقابل: برخی به‌جای قبول یا رد اصل نقد و حقیقت‌طلبی می‌کوشند تا متقابلاً نقدی متوجه ناقد خود کنند. یعنی به‌جای دفاع حمله کنند.
- تحقیر منتقد: گاه کسی که مورد انتقاد واقع می‌شود

موضوع احساس نیاز به‌وجود آوریم. یا او را با مسأله‌ای مواجه کنیم که بتواند سریع پاسخ دهد.

یعنی آموزش توأم با تفکر و انگیزه.

ژان پیازه می‌گوید: آن‌چه را به دیگری یاد بدهیم، در واقع مانع شده‌ایم تا خود آن را شخصاً کشف یا اختراع کند.

افلاطون نیز می‌گوید: تربیت از سوی مربی تذکر و از سوی متربی تنبه است و عمل مربی باید بیش‌تر جرقه‌ای بر خرمن قابلیت‌های متربی باشد تا وجودش را مشتعل کند (۱۱).

حق درگیر شدن و حق آموختن یادگیری به طریقی ناظر هستند بر فرآیند آموزش - یادگیری<sup>۱</sup> که قدیمی‌ترین مدل آن را در سقراط می‌یابیم. سقراط که می‌گفت: من ماما هستم، می‌زایانم یعنی من تسهیل‌کننده هستم و ذهن تو باید بزاید.

لذا استاد وظیفه دارد محیطی خلق کند که در آن امکان تعامل باشد، دانشجو را از خطا نترساند و دانشجو را به فکر وادارد..... تا تفکر آغاز شود.

۹- دانشجو حق استفاده‌ی بهینه از استاد دارد.

لذا، استاد وظیفه دارد علاوه بر حضور منظم سر کلاس‌ها، خارج از کلاس نیز به گونه‌ای معلوم در دسترس باشد.

۱۰- دانشجو حق پرسیدن سؤالات مناسب دارد.

می‌دانیم که پرسش فرآیند یادگیری را ارتقا می‌دهد: کلاس درس را دوسویه کرده و مشارکت دانشجویان را به‌دنبال خواهد داشت. از سویی پرسش نتیجه‌ی درگیر شدن دانشجو در بحث و درس است. اما دقت شود که پرسش باید مناسب باشد یعنی هدفمند بوده، مرتبط با موضوع درس و متناسب با وقت کلاس باشد و به شیوه‌ای نیکو پرسیده شود (۱۲).

آن‌گاه وظیفه‌ی استاد است که به تناسب دانش خویش به سؤالات پاسخ بگوید و وارد حوزه‌هایی که نمی‌شناسد و آگاهی ندارد نشود و دانشجو را به‌دلیل سؤالات نامربوط یا... سرزنش نکند.

۱۱- دانشجو حق انتقاد دارد.

<sup>2</sup> Wasteland

<sup>1</sup> Teaching - learning process

کهنتری را در دانشجو ایجاد می‌کند. ضمناً حق احترام دانشجو، ناظر بر موقعیت‌های زیادی است مثلاً احترام در مواجهه، احترام در پرسش، احترام در ارزیابی، احترام در پاداش و عقاب، احترام در استقلال شخصی و ...

۱۳- دانشجو حق برخورد صادقانه دارد.

هر چند که به‌سادگی می‌توان گفت که استاد موظف است که مواجهه‌ای صادقانه با دانشجو داشته باشد، اما صدق و صداقت یعنی چه؟

گاهی صداقت را بر محور کذب تعریف می‌کنند. یعنی اول تعریف کذب را می‌گویند که تحریف حقیقت است و سپس در تعریف صدق می‌گویند آن‌چه کذب نباشد، صدق است. از سویی صدق را گستره و ابعادی به قرار زیر است: صدق در گفتار، پندار و کردار، و چنان‌چه هر سه بعد صدق را در مواجهات و رفتارمان منظور کنیم آن‌گاه مواجهه‌ی ما یک مواجهه‌ی صادقانه خواهد بود.

صدق در گفتار آن است که سخن کاذب نباشد، صدق در کردار یعنی رفتار انسان بیانگر چیزی جز حقیقت نباشد و صدق در پندار همان است که حضرت پیامبر (ص) فرموده‌اند: خداوند به ظاهر اعمال شما نگاه نمی‌کند، آن‌چه مورد توجه قرار می‌گیرد، درون شماست (۱۵).

یا آن‌گونه که ویتگنشتاین می‌گوید: گزاره‌ها وسیله‌ی انتقال اندیشه‌اند و اندیشه عبارت است از گزاره‌های معنادار. لذا زبان به اندیشه لباس بدل می‌پوشاند و گزاره ممکن است صادق، کاذب یا بی‌معنا باشد (۱۶).

و در نگاهی منفذتر می‌توان راستگویی را چنین تعریف کرد: استفاده از گفتاری که کذب نباشد و هم‌چنین عاری از ابهام و ابهام باشد (۱۷).

بنابراین، استاد موظف است که مواجهه‌ی صادقانه با دانشجویان داشته باشد و در این مواجهه هر چند مکلف نیست که تمام حقیقت را بگوید اما موظف است که جز حقیقت نگوید و جز به حقیقت رفتار و کرداری از خود نشان ندهد.

به انتقاد متقابل بسنده می‌کند و مستقیماً بر شخص ناقد می‌تازد.

- گاهی شخص نقد شده، اساساً عمل نقد را و پس نقد وارده را غیراخلاقی دانسته و شخص ناقد را به بی‌اخلاقی متهم می‌کند (۱۳).

لذا استاد وظیفه دارد که اولاً فرهنگ نقد و نقادی را درک کند و شرایط بروز آن را فراهم کند. ثانیاً از نقد ایراد شده فارغ از این‌که شخص ناقد کیست و چه سطحی از دانش و تخصص دارد، در راستای روند یادگیری دانشجویان و مشارکت و درگیر شدن ایشان در دروس استفاده کند و مراقب باشد که واکنش او موجب تحقیر منتقد نشود.

فراموش نکنیم که انتقاد ممکن است به رشد دانش و نوآوری منجر شود و سعدی چه زیبا در این بیان سروده است که:

گه بود کز حکیم روشن رأی

بر نیاید درست تدبیری

گاه باشد که کودکی نادان

به غلط بر هدف زند تیری (۱۴)

۱۲- دانشجو حق احترام دارد.

واژه‌ی احترام در نگاه اول چنان مانوس است که انگار آن را کامل می‌شناسیم ولی وقتی پرسیده شود که «دانشجو حق احترام دارد و استاد موظف است که با دانشجو رفتار توأم با احترام داشته باشد» یعنی چه؟ کمی مشکل به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، مفهوم عملیاتی واژه‌ی احترام چیست؟

احترام رفتاری است که احساس کهنتری یا بی‌ارزشی در طرف ارتباط ایجاد نکند و هم‌چنین احترام رفتاری است که احساس مهتری یا ارزشمندی را در طرف ارتباط ایجاد کند.

دقت شود که تعریف اول تعریف حداقل مفهوم احترام است و تعریف دوم تعریف حداکثری اما هر دو عملیاتی هستند و می‌توان به شکل کاربردی از آن‌ها استفاده کرد.

لذا، استاد موظف به عدم انجام رفتاری است که احساس

۱۴- دانشجو حق برخورداری از مواجهه‌ی صریح دارد. یعنی استاد موظف است که با دانشجو مواجهه‌ی صریح داشته باشد. صریح یعنی مستقیم و روشن، بدین معنی که به روشنی و بی‌سردرگمی مفهوم مواجهه معلوم گردد.

۱۵- دانشجو حق استقلال و اتونومی دارد. این حق دانشجو در بسیاری مواضع جلوه می‌کند، از قبیل انتخاب موضوعات بحث و تحقیق، انتخاب زمان و محل برگزاری کلاس و امتحان، انتخاب افراد و همکار تحقیق و ... لذا، استاد موظف است حق استقلال دانشجو را مراعات کند. نکته: مواجهه‌ای که توأم با صداقت، صراحت، احترام و حفظ استقلال طرف ارتباط باشد، مواجهه‌ی قاطع گفته می‌شود. یعنی در واقع این ۴ حق، مؤلفه‌های قاطعیت به‌شمار آیند.

۱۶- دانشجو حق امانت‌داری دارد. این حق دانشجو عمدتاً ناظر به تحقیقات و یافته‌های علمی اوست که چنانچه با اساتید مطرح شود مورد امانت‌داری قرار گیرد، یا ایده‌ها، طرح‌ها، خلاقیت‌ها و.... لذا، استاد موظف است نسبت به دانشجو و در ارتباط با او امانت‌دار باشد.

۱۷- دانشجو حق حریم خصوصی دارد. حریم خصوصی یعنی محدوده‌ای که دانشجو حق و اجازه‌ی ورود دیگران را به آن نمی‌دهد از جمله این محدوده اعتقادات و مسائل خانوادگی است که استاد موظف به مراعات این حق دانشجویان است.

۱۸- دانشجو حق رازپوشی دارد. مؤلفه‌های راز عبارتند از: ۱- از جنس آگاهی است؛ ۲- مربوط به شخص یا اشخاص یا گروه اجتماعی است؛ ۳- پنهان تلقی می‌شود؛ ۴- آن را به هر کس نمی‌توان گفت. لذا رازپوشی یکی از وظایف اساتید در قبال دانشجویان است. مصداق راز دانشجویان عبارت است از: نمرات، اوراق امتحانی، حضور و غیاب، سوابق و... و دانشجو در روابط با استاد باید از همان سطح رازداری که بین پزشک و بیمار و

وکیل و موکل است برخوردار باشد (۱۰).

۱۹- دانشجو حق دارد مورد رفتار یکسان و خالی از تبعیض قرار گیرد.

لذا، اساتید موظف هستند که بیهوده بین دانشجویان تفاوت نگذارند و از دو مقوله‌ی اجحاف و نورچشم‌پروری بپرهیزند.

نکته: پنج حق صداقت، امانت‌داری، رازداری، حریم خصوصی و عدم تبعیض ناظر هستند به حق اعتماد، یعنی دانشجو حق دارد به استاد اعتماد کند.

۲۰- دانشجو حق دارد که در شرایط معذوریت درک شود. و استاد موظف است که شرایط ویژه و معذوریت دانشجو را درک کرده و مواجهه‌ای منصفانه و منطبق با عقلانیت اتخاذ کند.

از آنجایی که دانشجویان سرمایه‌های علم و اخلاق در جامعه‌اند و در راه درازی که تا رسیدن به آینده در پیش دارند بسیار محتاج فراگیری هستند و سیستم آموزشی دانشگاه‌ها نقش بسزایی در این راه دارند، لازم است تا ساحت قانون و اخلاق را از هم جدا کنیم و مسؤولیت‌های قانونی و اخلاقی سیستم آموزشی دانشگاه‌ها و به‌خصوص اساتید را بر مبنای حقوق دانشجویان تدوین سازیم. لذا، دانستن حقوق و وظایف متقابل دانشجویان و سیستم آموزشی دانشگاه آغاز راهی است بر اصلاح و بهبود آن‌ها و این مقاله گشایش بایی در این خصوص است.

## منابع

- perceptions about ethical practices in student evaluation. *Am J Eval* 2008; 29(4): 520-30 .
- ۱۰- روانبخش ح. اصول اخلاقی در تدریس دانشگاهی. مجله دانشگاه اسلامی؛ ۱۳۸۶؛ شماره ۲۷: ۱۶-۱۰۳.
- ۱۱- حلالوند م. ر. کدام اصل است یادگیری یا یادگیری آموزی؟ مجله رشد معلم ۱۳۸۱؛ شماره ۱۶۵: ۳-۵۰.
- ۱۲- روان طلب م. ر. آیین اخلاقی دانشجویان. تهران: ریاست جمهوری؛ ۱۳۸۶.
- ۱۳- اسلامی س. ح. اخلاق نقد و فرهنگ نقادی. مجله بازتاب اندیشه ۱۳۸۵؛ شماره ۷۲: ۹۰-۸۹.
- ۱۴- گلستان سعدی. تصحیح یوسفی غ. م. تهران: انتشارات خوارزمی؛ ۱۳۶۸، ص ۱۲۶.
- ۱۵- ابراهیم م. صداقت و راستی. نشریه حوزه دانشگاه ۱۳۸۷؛ شماره ۲۶: ۳۱-۲۲۳.
- ۱۶- دباغ س. مفهوم صدق نزد ویتگنشتاین. مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی ۱۳۸۵؛ شماره ۲۷: ۶۰-۲۵.
- ۱۷- ملکیان م. راهی به رهایی. تهران: نشر نگاه معاصر؛ ۱۳۸۷.
- ۱- قراملکی ا. ف. اخلاق حرفه‌ای. تهران: جیحون؛ ۱۳۸۴.
- ۲- قراملکی ا. ف. مبانی ترویج اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه. فصلنامه پژوهش اخلاق ۱۳۸۸؛ شماره ۳: ۶-۱۴.
- ۳- قراملکی ا. ف. درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: سرآمد؛ ۱۳۸۷.
- 4- Khormaei F, Khayer M. Relationship of goal orientations with approach to learning among university students. *J Psychol* 2007; 2(7): 123-38.
- ۵- گیج ان ال. مبانی علمی هنر تدریس. ترجمه مهرمحمدی م. تهران: مدرسه؛ ۱۳۷۴.
- ۶- صفری س. ن. مفهوم تقوی و کاربرد آن در قرآن. مجله پژوهش‌های قرآنی ۱۳۷۴؛ شماره ۴: ۶۸-۲۵۱.
- ۷- آقازاده م. راهنمای روش‌های نوین تدریس. تهران: آیین؛ ۱۳۸۴.
- ۸- لاریجانی ب. روش‌های نوین آموزش اخلاق پزشکی. مجله دیابت و لیپید ایران ۱۳۸۳؛ ویژه نامه، دوره ۴: ۳۹-۴۶.
- 9- Johnson RL. Educational leader's